

مبانی قرآنی عوامل معنوی اقتدار ملی از منظر مقام معظم رهبری دامت‌برکات

(مطالعه موردی مبتنی بر ارتباط با خالق)

دکتر بی‌بی سادات رضی بهابادی*، دکتر آتنا بهادری**، زینب پورکاوین***

چکیده

راهبردهای مدیریتی رهبر، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در اقتدار ملی دارند؛ از این‌رو لازم است برای دستیابی، حفظ و افزایش اقتدار ملی، عوامل و راهکارهای آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. نوشتار پیش‌رو بخشی از پژوهشی است که با استفاده از فرایند تحلیل مضمون و نرم‌افزار MaxQDA به بررسی اقتدار ملی در بیانات و پیام‌های ایشان پرداخته است. عوامل معنوی اقتدار ملی در اندیشه معظم‌له که ریشه در تعالیم اسلام دارد، به دو بخش تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق و تعالیم مبتنی بر ارتباط با خلق تقسیم می‌شود. این پژوهش با هدف کمکی در اقتدار جمهوری اسلامی ایران، به مطالعه موردی تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق پرداخته است و در ادامه به توجه به منشأ دینی این تعالیم‌ها، مبانی قرآنی آنان را به عنوان ثقل اکبر، استخراج کرده است. این تعالیم در بیان رفتار ارتباطی بندگان با خداوند، شامل مضامین: ایمان، تقوا، توکل، ارتباط قلبی و اعتقادی با خدا، اخلاق الهی، دعا و انگیزه الهی می‌شود؛ در مقابل، خداوند نیز حمایت و الطاف خود را نسبت به بندگان که استحقاق دارند، بذل می‌فرماید.

واژه‌های کلیدی: اقتدار ملی، عوامل معنوی، مبانی قرآنی، ارتباط با خالق، آیت‌الله خامنه‌ای.

* دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ه.ع.، b.razi@alzahra.ac.ir

** استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ه.ع.، a.bahadori@alzahra.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ه.ع.، (نویسنده مسئول)، Poorkavian73@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱

مقدمه

مسئله اقتدار نظام اسلامی، از موضوع‌های مهمی است که در آموزه‌های اسلام به آن توجه شده است. با توجه به رهنمودهای قرآن کریم، اقتدار حقیقی تنها از مسیر الهی به دست می‌آید و خداوند، خاستگاه اقتدار معرفی شده است (کهف: ۳۹). جوامع نیز برای دستیابی به آن، باید در کنار ایمان به خداوند، عملکرد صحیحی داشته باشند؛ همچنین در بعد سیاسی آن، اقتدار مبحثی راهبردی از مباحث اساسی کشورها و نیازی بزرگ برای حکومت‌ها است؛ لازم است ملت‌ها برای حفظ استقلال و دستیابی به اهداف و منافع داخلی و خارجی خود به کسب اقتدار بپردازند. می‌توان گفت، گام اول در ایجاد اقتدار، شناخت عوامل و راهکارهای کسب آن است. رهبر جامعه، نقش بسزایی در اقتدار ملی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای از سال‌های اول رهبری‌شان تا زمان حال، بر مسئله اقتدار کشور تأکید کرده‌اند.

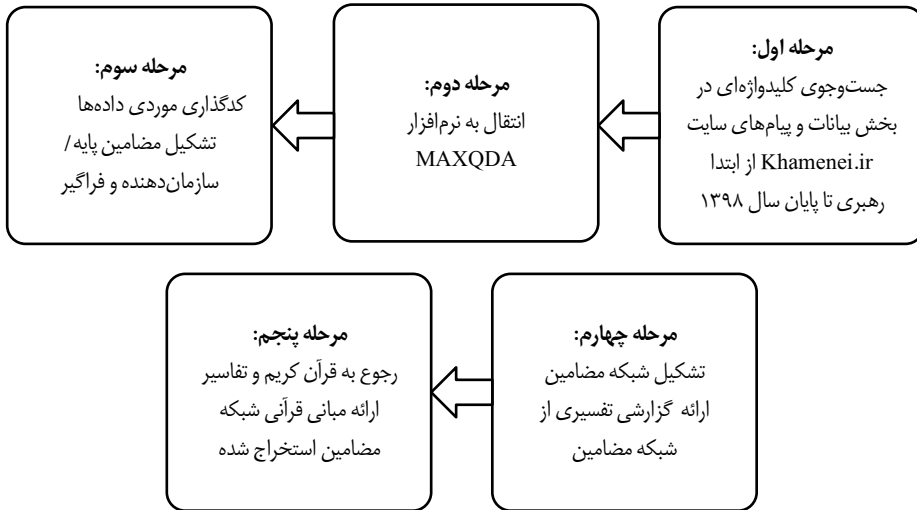
این مقاله، بخشی از پژوهشی است که با فرایند تحلیل مضمون به بررسی اقتدار ملی در بیان آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. عوامل اقتدار ملی که یکی از مضامین حاصل از آن پژوهش است، در سخنان رهبری به دو بخش مادی و معنوی قابل تقسیم است. عوامل معنوی اقتدار، فقط منشأ مذهبی و دینی ندارند؛ مانند: ناسیونالیسم (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹)؛ اما با توجه به سخنان معظم‌له می‌توان گفت: عوامل معنوی اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، ریشه در تعالیم اسلامی دارند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰). با توجه به اینکه می‌توان برای انسان‌ها چهار گونه رفتار ارتباطی در نظر گرفت - ارتباط با خود، خداوند، دیگر انسان‌ها و طبیعت - عوامل معنوی استخراج شده را می‌توان به دو دسته تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق و تعالیم مبتنی بر ارتباط با خلق (خود و دیگر انسان‌ها) تقسیم کرد. پژوهش پیش‌رو به تبیین تعالیم مبتنی بر ارتباط بین ملت و خداوند متعال از منظر معظم‌له می‌پردازد و در ادامه مبانی قرآنی آن به عنوان ثقل اکبر در تعالیم دین بیان می‌گردد.

درباره عوامل معنوی اقتدار، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله: «راهبردهای نیل به اقتدار فرهنگی به مثابه اقتدار حقیقی جمهوری اسلامی ایران» اثر محمدجواد نصرالله‌زاده، محمدجواد علیزاده و سلمان صفدری (۱۳۹۴) که با استفاده از روش اکتشافی

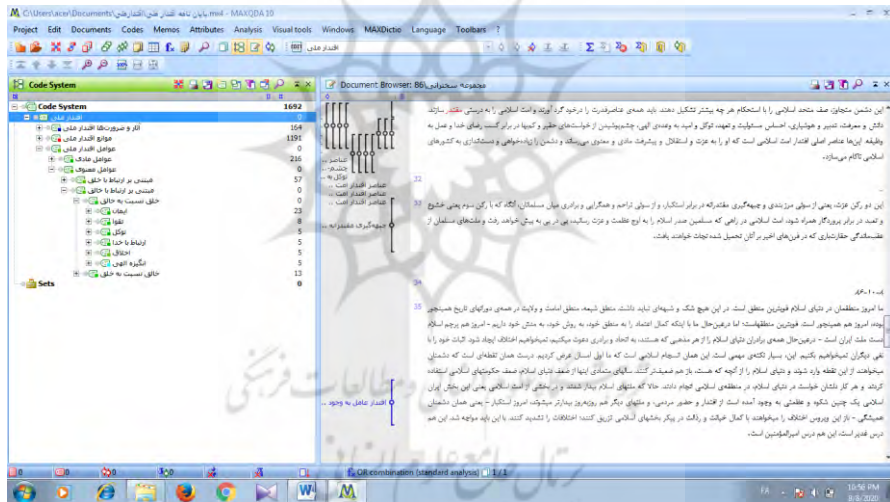
و تجزیه و تحلیل آماری و کیفی، با استفاده از روش تدوین راهبرد SWOT نسبت به تدوین راهبردهای نیل به اقتدار فرهنگی انجام گرفت و «جایگاه دین در تحکیم و توسعه اقتدار ملی جمهوری اسلامی» اثر توحید محرمی و سیامک رهپیک (۱۳۹۱) که به بررسی جایگاه دین در اقتدار ملی پرداخت. این پژوهش، نسبت به موارد بیان شده، به مطالعه موردی مضامین مبتنی بر ارتباط بین خداوند و ملت ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است و در جهت دستیابی به مطلوب، از فرایند تحلیل مضمون استفاده کرده است. در ادامه نیز مبانی قرآنی شبکه مضامین استخراج شده، بیان شده است.

۱. روش پژوهش

در پژوهش پیش‌رو، برای دستیابی هر چه بهتر به مطلوب، از فرایند تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، یک روش پژوهش کیفی و فرایندی برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۱-۱۹۲). داده‌های متنی پراکنده و متنوع، به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوی موجود در آنها تبدیل می‌شود. روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهرا نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده‌ی نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت و... و تبدیل داده‌های کمی به کیفی. (۱) عدم لزوم دستیابی به نظریه؛ (۲) عدم پایبندی به چهارچوب نظری که از قبل تعیین شده؛ (۳) لزوم بررسی تمام منابع و تحلیل و تفسیر تمام مضامین؛ (۴) توجه بیشتر به بافت داده‌ها و نکات ظریف؛ (۵) فراتر از شمارش رفتن و تمرکز بر ایده‌های صریح و ضمنی؛ (۶) بیان واقعیت و تبیین آن و (۷) ارائه تحلیلی تفسیری از ویژگی‌های آن است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۸). با توجه به اینکه ابزار تحلیلی در پژوهش پیش‌رو شبکه مضامین است، برای غنی‌سازی، دستیابی به داده‌های منظم و انجام فرایند تحلیل مضمون، باید گام‌های شش‌گانه‌ای را طی کرد که عبارتند از: آشنایی با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جست‌وجو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه مضامین، تحلیل شبکه مضامین و تدوین گزارش (همان: ۱۷۸).



نمودار (۱). مراحل انجام پژوهش



تصویر (۱). نمونه کدگذاری و تشکیل مضامین در نرم افزار MAXQDA

۲. مفهوم‌شناسی

واژه «معنوی» منسوب به معنی، آنچه منسوب به معنی است؛ باطنی و حقیقی (معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۷۶؛ عمید، ۱۳۸۹: ۹۶۰). منظور از عوامل معنوی، عوامل باطنی و غیرمادی‌اند که به بعد فرهنگی، روانی، باورها و ارزش‌های جامعه مرتبط می‌شوند. واژه «مبانی» نیز جمع «مبنی» به معنای مبنا، محل بنا و ریشه چیزی، پایه و بنیان (عمید،

۱۳۸۹: ۹۰۶-۹۰۷)، بنیاد، شالوده و اساس است (معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۰۱). در این نوشتار به ریشه‌ها و پایه‌های قرآنی مضامین حاصل از کلام رهبر معظم پرداخته می‌شود. از دیگر مفاهیم حائز اهمیت در پژوهش پیش‌رو، اقتدار است که در قرآن کریم و از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

۲-۱. مفهوم اقتدار در قرآن کریم

قدرت و اقتدار از موضوع‌هایی است که در قرآن کریم به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن اشاره شده است که می‌توان با بررسی واژگانی و مفهومی به آن پرداخت. ریشه‌های «قدر»، «علو»، «سلط»، «قوت» و در مقابل «ضعف» و واژگان مشتق از آنها، از مواردی‌اند که می‌توان در تبیین قدرت از آنان استفاده کرد. آیات الهی همه قدرت‌ها را مختص به خداوند می‌دانند: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۵). همچنین خداوند به عنوان خاستگاه اقتدار معرفی شده است: «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف: ۳۹). علامه طباطبایی در تفسیر آیه، قدرت را منحصر در خداوند بیان می‌کند؛ چنان‌که آن قدرتی که قائم به مخلوقات است، همان قائم به خداوند است؛ بدون اینکه قدرت از خداوند قطع شود و مخلوقات در آن مستقل باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۳۱۴-۳۱۵)؛ بنابراین در تبیین قدرت خداوند و مخلوقات، باید به انتشار طولی آن از خداوند به خلق، استقلال در قدرت خداوند و عدم استقلال در قدرت خلق توجه کرد.

موضوع قدرت از نظر ارزش‌شناسی در قرآن کریم، به دو دسته قابل تقسیم است: قدرت ممدوح و قدرت مذموم. معیار در ممدوح و مذموم بودن آن، حق‌گرایی است. قدرتی که در جهت کفر و شرک و همراه با ظلم، تجاوزگری، استبداد، طغیان، ایجاد ناامنی و به‌طور خلاصه، هر چه که خلاف اوامر خداوند باشد، اقتدار مذموم محسوب می‌شود و اقتدار پیامبران صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و مؤمنان به‌واسطه اتصال و ایمان به خداوند، اقتدار ممدوح به حساب می‌آید.

موضوع قرآن کریم نسبت به موضوع اقتدار، دوگانه سلبی و ایجابی است. از آنجایی که برتری اسلام و لزوم برتری مسلمانان و جامعه اسلامی در قرآن واضح است، آیات به لزوم

ایجاد اقتدار جامعه اسلامی اشاره کرده‌اند. هدف قرآن از امر به کسب قدرت، ایجاد بازدارندگی نسبت به دشمنان (انفال: ۶۱)، برقراری اوامر و احکام دینی در جامعه (بقره: ۱۹۳؛ هود: ۸۰) و دیگر موارد است. از سویی، قدرتی که همراه با ظلم، تجاوز و تعدی از حدود باشد، از منظر آیات مذموم است و این مسئله فقط مختص به کافران و مشرکان نیست؛ بلکه مسلمانان نیز در مسیر قدرت و اقتدارشان در جهت گسترش و اعتلای جامعه اسلامی از ظلم و تعدی نهی شده‌اند: «قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» (بقره: ۱۹۰)؛ بنابراین، نهی از ظلم، تجاوز، طغیان و... جنبه سلبی اقتدار در قرآن کریم است.

۲-۲ مفهوم اقتدار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

واژه «اقتدار» در سخنان معظم‌له با «قدرت» مترادف معنایی دارد و واژه جانشین یکدیگرند. در جدول زیر سعی شده است با ارائه معیارهایی به مفهوم اقتدار ملی در اندیشه معظم‌له پرداخته شود: جدول (۱). مفهوم‌شناسی اقتدار ملی در بیان آیت‌الله خامنه‌ای

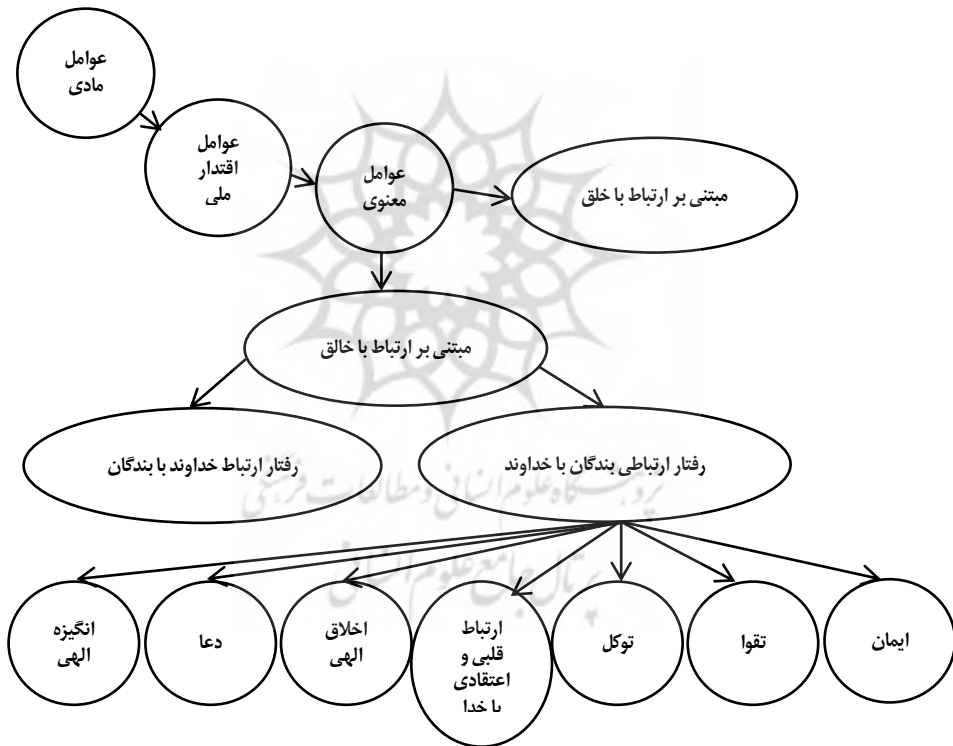
<p>اقتدار ملی به یک واحد سیاسی، دولت- ملت، تعلق می‌گیرد (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸؛ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).</p> <p>دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است؛ وجه ایجابی: نظام اسلامی توانایی پیشبرد کارها، دستیابی به اهداف و توانایی حضور فعال و اثرگذار در بین‌الملل را داشته باشد. وجه سلبی: نظام توانایی مقابله در برابر زورگویی‌ها و دخالت‌های بیگانگان را داشته باشد؛ نفوذناپذیر باشد؛ قدرت‌های بیگانه توان نفوذ در آن را نداشته باشند و از تهدید دشمنان ترسی نداشته باشد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).</p>	<p>مفهوم بر اساس دلالت</p>
<p>در کلام معظم‌له اقتدار را می‌توان به دو سطح اقتدار حقیقی و در مقابل آن اقتدار ظاهری تقسیم کرد؛ این تقسیم برگرفته از بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی است؛ معظم‌له در تبیین توقع‌ها از نیروی انتظامی می‌فرماید: «اقتدارهای ظاهری در حقیقت اقتدار نیست.» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۷۴/۰۴/۲۱). مقصود از اقتدار ملی که نظام در پی آن است، اقتدار حقیقی است.</p> <p>در تقسیم‌بندی مبتنی بر عرصه‌های نمایش و اعمال اقتدار، سه بخش وجود دارد؛</p>	<p>مفهوم بر اساس سطوح و عرصه‌ها</p>

<p>اقتدار داخلی، منطقه‌ای (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۰۱/۰۱؛ بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱) و بین‌المللی (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۰۱/۰۱). در حقیقت اقتدار منطقه‌ای بخشی از اقتدار در عرصه بین‌الملل محسوب می‌شود، اما در بیان معظم‌له به‌صورت مجزا قید شده است.</p>	
<p>الف) اقتدار درون‌زا: اقتدار ملی امری درون‌زا، درون بنیاد، بومی و با استفاده از قابلیت‌ها و استعدادهاى خود است؛ نه امری برگرفته از بیرون، القایی و تزریقی (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین <small>علیه‌السلام</small>، ۱۳۹۷/۰۴/۰۹).</p> <p>ب) میرا از ظلم‌گرایی: اقتدار ملی با ظلم، تجاوزطلبی، سرکوب و حمله به دیگر ملت‌ها همراهی ندارد؛ بلکه با احترام و نگاه برادرانه و دفاع از دیگر ملل مظلوم همراه است. ایران طرفدار نگاه برادرانه و صمیمانه به کشورهای مسلمان و دیگر ملل دوست در منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق است (بیانات در دانشگاه افسری امام علی <small>علیه‌السلام</small>، ۱۳۸۳/۱۰/۰۲).</p> <p>ج) چندجانبه: اقتدار ملی، یک مفهوم مرکب، پیچیده و چندجانبه است. چندجانبه بودن اقتدار ملی بدین معنا است که تنها با قدرت یافتن و توانمند شدن یک بعد در کشور حاصل نمی‌شود؛ بلکه باید در ابعاد مختلف معنوی و مادی قدرت یافت (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴).</p>	<p>مفهوم بر اساس اوصاف و ویژگی‌ها</p>
<p>اقتدار ملی را می‌توان بر اساس ارکان، اجزاء و... به قسمت‌هایی تقسیم کرد؛ از جمله: اقتدار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۸۰/۰۲/۲۸) و نظامی (بیانات در حرم رضوی در آغاز سال، ۹۱/۰۱/۰۱) که از ارکان اقتدار ملی هستند؛ همچنین به‌صورت خرد شامل: اقتدار علمی، اطلاعاتی، فکری، روحی، رزمی، امنیتی، تسلیحاتی، موشکی، اداری و... است (بیانات در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه علمیه قم، ۸۹/۰۸/۰۳؛ بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه نیروی دریایی نوشهر ۶۹/۰۲/۲۲؛ بیانات در دانشگاه دریایی امام خمینی <small>علیه‌السلام</small> و دانشگاه دریایی سپاه، ۷۸/۰۲/۲۹).</p>	<p>مفهوم بر اساس عناصر و اجزا</p>

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳. عوامل معنوی مبتنی بر ارتباط با خالق و مبانی قرآنی آن

همان طور که بیان شد، عوامل معنوی اقتدار ملی در سخنان مقام معظم رهبری که نشأت گرفته از تعالیم دین‌اند، به دو دسته تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق و تعالیم مبتنی بر ارتباط با خلق تقسیم می‌شوند. منظور از تعالیم دینی مبتنی بر ارتباط با خلق، مضامینی است که در ارتباط با نفس خود و دیگر انسان‌ها قابل بررسی است؛ این عوامل عبارت‌اند از: وحدت، صبر و ایستادگی، ایثار و شهادت، عزم و اراده، جهاد، اخلاق و عزت. مراد از تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق نیز مضامینی است که به رابطه دوسویه میان ملت و خداوند اشاره دارد که در ادامه با نمایش شبکه مضامین، تفسیر این مضامین و مبانی قرآنی آنها بیان می‌شود.

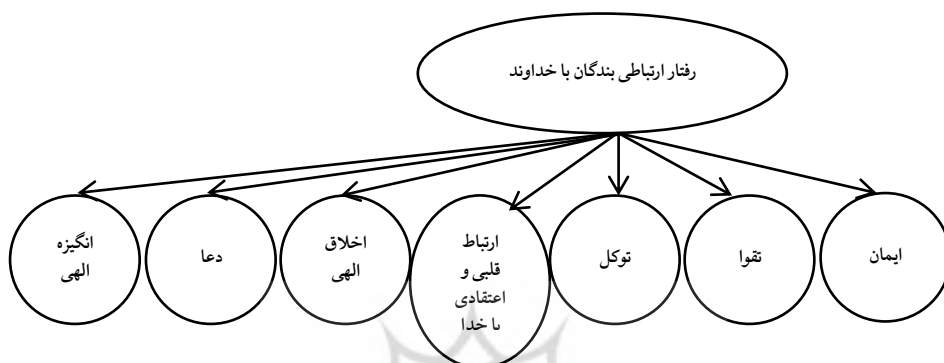


تصویر (۲). شبکه مضامین اقتدار ملی در بیان آیت‌الله خامنه‌ای

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳-۱. رفتار ارتباطی بندگان با خداوند

منظور مضامینی است که بیانگر وظایف و خصایص ملت نسبت به خداوند است و موجب اقتدار ملی می‌شوند. این مضامین در کلام معظم‌له شامل: ایمان، تقوا، توکل، ارتباط قلبی و اعتقادی با خداوند، اخلاق الهی، دعا و انگیزه الهی هستند که به این شرح‌اند:



تصویر (۳). مضامین «رفتار ارتباطی بندگان با خداوند»
(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳-۱-۱. ایمان

به باور آیت‌الله خامنه‌ای، اصلی‌ترین عنصر معنوی اقتدار و یکی از مبانی اصلی قدرت، ایمان است (بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۱/۰۸/۱۳۷۹). از منظر ایشان، ایمان از عناصر مقاومت ملت است: «ایمان دینی جزو مهم‌ترین عناصر مقاومت و تحرک این کشور است.» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۹۵). می‌توان گفت بدون ایمان، انسان قالبی مادی است و اقتدار حقیقی نیز حاصل نمی‌شود. ایمان مذهبی نوعی هماهنگی میان انسان و آرمان‌های جهان است. پیوندی دوستانه میان انسان و جهان ایجاد می‌کند. استاد مرتضی مطهری در مقایسه بین علم و ایمان و تبیین ارتباطشان می‌فرماید: «علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد؛ علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت؛ علم توانستن است و ایمان خوب خواستن؛ علم می‌نمایاند که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد؛ علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون»؛ همچنین ایشان بهجت و انبساط، کاهش ناراحتی‌ها و بهبود روابط اجتماعی را از آثار ایمان دینی می‌شمارند (مطهری، ۱۳۹۷: ۲۳-).

(۴۵)؛ به‌علاوه، ایجاد امید، احساس عزت، غلبه و نترسیدن از غیر خداوند، از دیگر آثار ایمان است (پارسانیا، فتحی، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۶).

ایمان به خدا، به انسان در پیمودن مسیرهای سخت و دشواری‌ها کمک می‌کند؛ امید و قوتی به نظام و ملت می‌دهد که سبب استواری‌اش در مقابل مشکلات می‌شود؛ مشکلات بزرگ را در دید ملت کوچک و آسان می‌کند و سبب می‌شود ملت، توانایی عبور از آن مشکلات را به دست آورد. ایجاد احساس عزت و شکست‌ناپذیری حاصل از ایمان و نترسیدن از غیر خداوند، سبب مقاومت، پیروزی و اقتدار می‌شود.

در آیات الهی، ایمان از مهم‌ترین عواملی است که سبب اقتدار می‌شود. خداوند ایمان به خود و کفر به طاغوت را استمساک به عروة الوثقی معرفی می‌کند: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا» (بقره: ۲۵۶) که دستگیره محکم دین است تا انسان در مشکلات مادی و معنوی سقوط نکند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۱۶۱). «فَقَدِ اسْتَمْسَكَ» نیز تمثیلی از شباهت مؤمن در ثبات ایمانش است (ابن‌عاشور، ج ۱۲، ۱۴۲۰ ق: ۵۰۳)؛ بنابراین کفر به طاغوت و ایمان به خداوند، عامل قدرتی است که جامعه اسلامی را از خطر سقوط در مشکلات حفظ می‌کند.

خداوند ایمان را مایه علو، غلبه و قدرت بیان می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران: ۱۳۹). ایمان به خداوند سبب از بین رفتن سستی و رخوت می‌شود و حماسه و پایداری ایجاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۵۹۶)؛ در نتیجه مایه قدرت و غلبه است. با توجه به نکاتی که گفته شد، نبود ایمان و سستی در آن، در جامعه سبب شکست می‌شود. عواملی سبب اقتدارآفرینی ایمان می‌شوند که در ادامه شرح آنها ارائه می‌شود:

(۱) ولایت الهی: مسئله‌ای که در آیات قابل مشاهده است و سبب اقتدار و غلبه مؤمنان می‌شود، رابطه ولایی میان خداوند با مؤمنان است. در آیات متعددی خداوند خود را ولی مؤمنان معرفی می‌فرماید و این مسئله را سبب قدرت مؤمنان و شکست کفار و مشرکان بیان می‌کند. خداوند با ذکر سنت بودن ذلت و خواری کفار و مشرکان محارب، دلیل آن را رابطه ولایی خود با بندگان مؤمنش بیان می‌کند: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا

مَوْلَى لَهُمْ» (محمد: ۱۱). طبق آیه، قدرت و غلبه مؤمنان به این دلیل است که خداوند مولای آنان است؛ در حالی که برای جبهه مخالف مولایی وجود ندارد که مورد حمایت قرار گیرند. در آیه ۱۲۲ آل عمران نیز به رابطه ولایی خداوند نسبت به مؤمنان اشاره شده است.

۲) سنت الهی یاری مؤمنان: با توجه به اینکه خداوند ولی مؤمنان است، در طول زندگی و در مصائب و مشکلاتشان یاری رسان آنان است و از آنان دفاع می‌کند؛ یاری خداوند که قدرت مطلق به دست اوست، سبب اقتدار مؤمنان می‌شود. آیه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (حج: ۳۸). با توجه به آیه، کافران در عهدالله خیانت می‌کنند (ابن عاشور، ج ۱۷، ۱۴۲۰ق: ۱۹۷) اما مؤمنان به واسطه ایمانشان از دفاع و حمایت الهی بهره‌مند می‌شوند؛ همچنین آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم: ۴۷) به سنت بودن نصرت و یاری‌رسانی به مؤمنان اشاره می‌کند. در عبارت «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» تعبیر «کان» اشاره به ریشه‌دار بودن این سنت است و بعد از آن تعبیر به «حق» و بعد تعبیر به «علینا» تأکید پی‌درپی است؛ همچنین مقدم شدن «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا» بر «نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» تأکیدی دیگر بر این مسئله است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۴۶۷). سنت یاری مؤمنان در آیات بسیاری در خلال بیان داستان انبیای الهی بیان شده است؛ برای نمونه: آیه درباره زندگی حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَتَبَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ» (یونس: ۷۳). بعد از تلاش‌های حضرت نوح علیه السلام و تکذیب قومش، عذاب الهی بر قوم نازل شد و ایمان‌آوردگان نجات یافتند.

نصرت و یاری خداوند به شکل‌های گوناگونی به کمک مؤمنان آمده است؛ برای نمونه آیه، فرود آمدن سکینه و آرامش بر دل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان را نوعی یاری الهی معرفی می‌کند: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» (توبه: ۲۶). در مواردی از آیات نیز نزول فرشتگان برای امداد ظاهری یا تقویت مؤمنان و تضعیف کفار یا نزول آیه و ارائه راهکار به‌عنوان نصرت الهی، بیان شده است. بررسی آیات مرتبط با یاری و امداد الهی در مضمون مربوط بیان می‌شود.

۳) روحیه مؤمنانه: از دیگر مسائلی که سبب اثرگذاری ایمان بر اقتدار جامعه می‌شود، روحیه‌ای است که بر جامعه اسلامی به واسطه ایمان حاکم می‌شود. جامعه با ایمان از امید و انگیزه بالایی برخوردار است؛ زیرا توجهش به ارزش‌هایی بالاتر از حیات دنیایی معطوف است و به وعده‌های الهی باور دارد. آیه ۱۰۴ نساء به خوبی بیانگر تأثیر امید به خداوند در روحیه و قدرت مؤمنان برای ادامه مسیر و مبارزه است. آیه می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»؛ یعنی عامل ضعف دو گروه مشترک است و هر دو گروه آسیب دیده‌اند، اما عامل قدرت، مختص مؤمنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۳۲۰). آن عامل قدرت، امید مؤمنان است که به واسطه ایمانشان در آنان وجود دارد. آیات دیگری نیز وجود دارد که حاکی از تأثیر ایمان بر ایستادگی و مقاومت مؤمنان است که خود عاملی برای اقتدار محسوب می‌شود؛ برای نمونه: در آیه «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹) نیز به این مسئله اشاره می‌کند. برخی معتقدند، فقط مؤمنان بعد از امتحان عبور کردند و در عبور نکردن و شرکت کفار اتفاق نظر است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۶۷۳)؛ یعنی ایمان به خداوند، وعده‌های الهی و معاد، قدرت ایستادگی را افزایش می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۹۰).

۴) سنت الهی خواری و ذلت کفار: ذلت و خواری کفار و مشرکانی که به مخالفت با پروردگارشان پرداختند، به عنوان سنت الهی در آیات قرآن به چشم می‌خورد. با مطالعه تاریخ گذشتگان، چنین افرادی خوار و ذلیل بودند و این مسئله همچنان ادامه دارد. آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَيْسُوا كَمَا كَبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (مجادله: ۵) با بیان عبارت «كَيْسُوا كَمَا كَبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» به صراحت به مسئله سنت بودن آن اشاره دارد. در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره انفال، خداوند پس از آنکه به فرشتگان دستور می‌دهد تا ترس در دل کفار بیاندازند و آنان را عذاب نمایند، علت آن را مخالفت آنان با خدا و رسول ﷺ بیان می‌کند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۱۳).

۳-۱-۲. تقوا

تقوا از دیگر عوامل اقتدار آفرین در سخنان مقام معظم رهبری است. از منظر ایشان، اقتدار بسیاری که ملت ایران در چشم دنیا دارد، ناشی از تقوا است (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). به باور معظم‌له، تقوا، عامل ایستادگی، مقاومت و عزم و اراده است: «تقوا مایه هدایت، فرج و اقتدار عزم و اراده انسانی است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

تقوای دینی و الهی به این معنا است که انسان خود را از خطا، گناه، زشتی و پلیدی که دین در میان اصول و تعالیم زندگی معرفی کرده است، حفظ و صیانت نماید و به آن مرتکب نشود (مطهری، ۱۳۸۸ (ب): ۲۳). با وجود اینکه تقوا در دین امری نفسانی است، اما آثار عینی فردی و اجتماعی زیادی دارد و جزء عناصر ناظر بر ارزش‌های اجتماعی محسوب می‌شود (شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۳۹). از آنجایی که تعالیم اسلامی ناظر بر قدرت یافتن مسلمانانند، رعایت تقوا و دوری از نهی شده‌ها که سلب‌کننده اقتدار جامعه‌اند، خود عاملی برای ایجاد اقتدار محسوب می‌شوند؛ از سوی دیگر، گناه، عزم و اراده و نیروی ایستادگی و مقاومت را تضعیف می‌کند؛ در نتیجه شکست را در پی دارد، اما با رعایت تقوا نیروی عزم و اراده و ایستادگی و مقاومت افزایش می‌یابد که خود از عوامل اقتدار ملی است. با توجه به مجموع آیات، تقوا، احساس مسئولیت و تعهدی است که به دنبال نفوذ ایمان در قلب، بر انسان حاکم می‌شود و انسان را از گناه بازمی‌دارد و سبب خلوص و پاکی نیت می‌شود و به اعمال نیک، عدالت و... دعوت می‌کند (همان). آیات الهی بندگان را به تقوا امر می‌کنند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن: ۱۶)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران: ۱۰۲) و تقوای پیشگان را محبوب درگاه خداوند می‌دانند: «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۷۶). رعایت تقوا آثاری در پی دارد که برخی از آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اقتدار اثرگذارند؛ در نتیجه با رعایت تقوا، در بین افراد جامعه و به طور خاص مسئولان، می‌توان از آثار آن بر ایجاد اقتدار در جامعه بهره برد. همان طور که گفته شد، از آنجایی که بخشی از واجبات و محرمات دینی برنامه‌ای صحیح برای زندگی اجتماعی بشر است، با رعایت تقوا که سبب انجام آنها است، می‌توان به قدرت

دست یافت؛ از سوی دیگر، گناه موجب سستی انسان می‌شود. رعایت تقوا عاملی برای از بین رفتن سستی، در نتیجه دستیابی به اقتدار است. اثر تقوا بر اقتدار ملی در آیات الهی به شرح زیر است:

آیاتی به ولایت و همراهی خداوند با افراد باتقوا اشاره دارند؛ خداوند تقوایبندگان را یاری می‌نماید و جامعه با رعایت تقوا از امدادهای الهی بهره می‌برد. خداوند در آیه ۱۹ جاثیه می‌فرماید: «إِنَّهُمْ لَنُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ»؛ ظالمان، ولیّ یکدیگرند و خداوند ولیّ افراد باتقوا است. طبق آیات الهی خداوند پروردگار جهان و جهانیان است و عزت و قدرت مطلق به دست اوست. ولایت و همراهی چنین قدرتی با تقوایبندگان سبب قدرت و پیروزی آنان و شکست هر قدرتی غیر از خداوند است؛ همچنین خداوند پس از سخن از ماه‌های حرام و امر به جنگ با مشرکان، با عبارت «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۳۶) همراهی خود با افراد باتقوا را اعلام می‌کند. برخی در تفسیر آیه گفته‌اند: مراد، یاری و ولایت الهی نسبت به این افراد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۴۴). آیه ۱۲۴ آل عمران نیز نمونه بارز برخوردار بودن تقوایبندگان از امداد غیبی است. آیه، شرط برخوردار بودن از امداد الهی به وسیله فرشتگان را صبر و تقوای مجاهدان بیان می‌کند.

خداوند پس از بیان سرگذشت قوم ثمود و عذابشان با صاعقه، می‌فرماید: «أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (نمل: ۵۳) و «وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (فصلت: ۱۸). آیه دلیل نجات برخی افراد از عذاب را تقوا بیان می‌کند. اگر افراد در برابر امتحانات و مصائب زندگی صبر و تقوا پیشه کنند، سبب دستیابی به خواست، غلبه و پیروزی‌شان می‌شود؛ آن چنان که حضرت موسی علیه السلام خطاب به قومش، تقوا را یکی از شروط دستیابی به قدرت و پیروزی معرفی می‌کند: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸). رعایت صبر و تقوا سبب می‌شود تا حيله و کید دشمنان به جامعه اسلامی آسیبی نرساند (آل عمران: ۱۲۰).

برخی از آیات نیز به آثار دیگری که شامل حال تقوایبندگان می‌شود، اشاره می‌نماید؛ مانند: «يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق: ۲)، «يَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق: ۴)، «جَعَلَ لَكُمْ نُورًا» (حدید: ۲۸) و «يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ» (انفال: ۲۹). «فرقان» به

معنای چیزی است که بین دو چیز فرق می‌گذارد و در آیه، منظور این است که تقوا میان حق و باطل فرق می‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۵۶). برخی نیز «فرقان» را به معنای نجات گرفته‌اند و برخی به معنای پیروزی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۲۵). اعطای «فرقان»، «نور» و آسان شدن مشکلات و راه خروج از آنها، آثاری است که با حاکم شدن تقوا بر جامعه، ملت از آن بهره می‌برد که هر یک می‌تواند منجر به اقتدار آنان گردد.

۳-۱-۳. توکل

توکل به خداوند در انجام امور، یکی از راه‌های دستیابی به اقتدار برای ملت است. به باور آیت‌الله خامنه‌ای: «وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به نفس بود، اتکا به قدرت الهی بود، آن وقت یک ملت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ حرکت، از لحاظ پیشرفت.» (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۰۵/۲۲). توکل با ایجاد دیگر عوامل اقتدار، مانند ایستادگی، عزم و اراده و... بر اقتدار اثر می‌گذارد: «این ایستادگی - که عزت ملت ایران و عزت اسلام است - با توکل به خدای متعال، با استمداد از قدرت الهی، با اتکا به خدا و اتکال به پروردگار، می‌تواند ادامه پیدا بکند.» (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام، ۱۳۸۷/۰۴/۲۶)؛ «در همه تلاش‌های ما، آن چیزی که به تلاش ما برکت می‌دهد و اراده و عزم ما را راسخ می‌کند، توکل و توجه به خدای متعال و اخلاص است.» (بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۰۷).

توکل به معنای تکیه و اعتماد نمودن بر کسی و اعتراف به عجز خود است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۳۸۸؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۵: ۶۲۶۷). واژه توکل به معنای بر عهده گرفتن است و زمانی که همراه با «علی» می‌آید، متضمن معنای اعتماد می‌شود؛ در مجموع به معنای با تکیه بر چیزی و کاری را بر عهده گرفتن است. با توجه به تعریفی که ارائه شد، توکل با سکون، انفعال و... در تضاد است و باید با عمل و تلاش همراه باشد. مقدس بودن آرمان و هدف، کوشش در راه آن آرمان و هدف و همراهی با نیت خالص، ارکان توکل هستند. اگر این ارکان جاری شوند، امدادهای الهی به سوی توکل‌کننده می‌آیند (مطهری،

۱۳۹۰: ۳۹-۴۰). با توجه به ارکان توکل، این مفهوم با ایجاد امید و در پی داشتن امداد الهی، اقتدارآفرینی می‌کند.

در اسلام نیز توکل مفهومی حماسی دارد و به معنای سستی نیست (همان، ۵۰). توکل به معنای وکیل گرفتن خداوند و متولی تدبیر امور قرار دادن او و علم به اینکه خداوند سبب حقیقی است و دیگر اسباب به آن منتهی می‌شوند، است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۴۱۲). به عبارت دیگر، هرکس که در مسئله‌ای تخصص ندارد، وکیل می‌گیرد و چون انسان بدون علم و قدرتی که خداوند به او عطا می‌کند، نه خبره است و نه قدرت دارد، باید به مبدایی خبیر و قدیر تکیه کند و نباید برای خود و اسباب استقلال قائل باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۶۳).

در اسلام توکل به خداوند عاملی برای اقتدار، غلبه و پیروزی معرفی شده است. صاحب مجمع البیان، در تفسیر آیه «مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳)، توکل را سبب نیرومندی معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۶۱). خداوند درباره افرادی که از مکه به مدینه مهاجرت کردند، بشارت می‌دهد که از پاداش دنیوی و اخروی برخوردارند: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبْتُوَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» (نحل: ۴۱). در تفسیر «لَنَبْتُوَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی تفسیرها منظور از «حَسَنَةً» را غلبه، پیروزی و خارج شدن از زیردستی کفار و مشرکان گفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۲۵۴) یا به طور خاص، غلبه بر اهل مکه، غلبه بر کل عرب یا غلبه بر مغرب و مشرق (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۰۷). در آیه بعد خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَّوَكَّلُونَ» (نحل: ۴۲)؛ یعنی صبر و توکل از اوصاف مهاجران است؛ بنابراین مهاجران با ویژگی توکل بر خداوند به غلبه و پیروزی دست می‌یابند.

خداوند در برخی آیات به نقش توکل در زندگی انبیا اشاره کرده است (یونس: ۷۱، ۸۴ و ۸۵؛ یوسف: ۶۷)؛ همچنین توکل را از اوصاف بندگان مؤمن خود می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ [...] وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَّوَكَّلُونَ» (انفال: ۲)؛ علاوه بر این، آیاتی نیز مؤمنان را به توکل امر می‌کنند. در برخی از آیات دلیل امر به توکل بیان شده است که هر یک می‌تواند بیان‌کننده دلیل اقتدارآفرینی آن باشد. برخی از دلایل لزوم توکل بر خداوند بدین شرح است:

(۱) خداوند مولا و ولی مؤمنان است: «قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَىٰ

اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱). عبارت «عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» معطوف و متمم قبلش است؛ یعنی خداوند صاحب امر و اختیار است و ما به او ایمان داریم؛ بنابراین باید بر او توکل کنیم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۳۰۶)؛ همچنین در آیه «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۲۲) خداوند به عنوان ولی معرفی شده است. با توجه به اینکه خداوند ولی مؤمنان است، سزاوار نیست که در خود سستی و ترس راه دهند و باید بر خداوند توکل کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۶).

۲) غلبه و ذلت فقط به دست خداوند است: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰). در آیه قبل به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور عزم و توکل می دهد. در این آیه دلیل آن را چنین بیان می کند که اگر خداوند کسی را یاری دهد، مغلوب نمی شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۵۷). بر اساس توحید افعالی، نصرت فقط از سوی خداوند است و مختص و منحصر به اوست و عامل پیروزی فقط کمک خداوند است. در صورت خذلان از سوی خداوند، یاری کننده ای برای آن فرد وجود ندارد، چه برسد به یاری، غلبه و پیروزی (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۱۶۷، ۱۷۰ و ۱۷۶).

۳) خداوند کافی است: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه: ۱۲۹). «حَسْبِيَ اللَّهُ» به طور التزامی مفهوم توکل را می رساند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۴۱۲)؛ همچنین آیه ۳ سوره طلاق نیز به این مسئله اشاره دارد: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ». با توجه به آیات، خداوند برای بندگان کافی است و کسی که او را وکیل قرار دهد، برایش کفایت می کند و نیاز به نیرویی مستقل از خداوند ندارد؛ بنابراین باید بر او توکل نمود.

۳) خداوند هدایتگر است: «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا» (ابراهیم: ۱۲). با توجه به آیه، خداوندی که بشر را به راه و مسیر صحیح هدایت کرده است، در اداره دیگر امور و عمل به خیر و صلاح بندگان نیز توانا و قادر است.

۴) خداوند پروردگار جهان است: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً» (مزمل: ۹).

با توجه به دلایلی که ذکر شد، توکل بر خداوند، عاملی برای کسب اقتدار جامعه است. خداوندی که بندگان خود را به مسیر صحیح هدایت کرد و پروردگار جهانیان است، قدرت اداره دیگر اموری که بندگان به آن نیازمندند را نیز دارد؛ همچنین غلبه و نصرت در خداوند منحصر است و با توجه به نیروی ایمان توکل‌کنندگان و ولایت خداوند نسبت به آنان، این نصرت، غلبه و اقتدار به آنان تعلق می‌گیرد.

۳-۱-۴. ارتباط قلبی و اعتقادی با خدا

از منظر معظم‌له، ارتباط قلبی، اعتقادی و پیوند ولایی افراد با خداوند، راز اقتدار شخص و نظام است (بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۰۵). ارتباط با خدا مایه اقتدار معنوی بشر اسیر اسباب و علل مادی است و چنین اقتدار معنوی سبب غلبه بر عالم ماده می‌شود (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۲/۰۶/۲۵). ایشان همچنین ارتباط نداشتن با خداوند در غرب را سبب انحطاط اخلاقی و افولشان بیان می‌کنند (بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۰۹/۲۳).

با توجه به بیانات رهبری، ارتباط با خداوند با ایجاد دیگر عوامل اقتدار سبب ایجاد اقتدار ملی می‌شود. اطمینان قلبی به یاد خداوند سبب عزت و سیادت ملت که خود عاملی برای اقتدار است، می‌شود. تقویت ارتباط با خداوند سبب ورود اراده محکم، قدم استوار و فکر روشن در میدان‌های مختلف زندگی می‌شود (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام، ۱۳۸۷/۰۴/۲۶).

به‌علاوه، ارتباط با خداوند، اطاعت از فرمان‌ها و ترک نواهی را در پی دارد و سبب تزکیه و حفظ تقوا و تقویت ایمان در انسان می‌شود. ضعف ارتباط با خداوند سبب غلبه هوس‌ها و جهت‌گیری بر اساس آنها و در نتیجه، ضعف قدرت مقاومت در مقابل دشمن می‌شود (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۶/۰۹/۱۲).

یکی از مصداق‌های یاد و ارتباط با خداوند در قرآن کریم، نماز است (طه: ۱۴). نماز یکی از واجبات و فروع دین اسلام است که در آیات به آن امر شده است. از آیاتی که درباره نماز وجود دارد، آیه امر به طلب یاری از نماز است: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره:

۴۵). استعانت در جایی به کار می‌رود که انسان خود به تنهایی نتواند کارش را انجام دهد. در چنین شرایطی خداوند امر می‌نماید که از صبر و نماز کمک گرفته شود. این دو عامل پیروزی‌اند و نماز نیروی ایمان را در انسان زنده می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۲). با توجه به آیه، نماز که از مصادیق ارتباط با خداوند است، نیرویی در مسائل و مشکلات زندگی است؛ در نتیجه، سبب اقتدار می‌شود. اگر این ارتباط با خداوند در گستره‌ای بزرگ‌تر روح حاکم بر جامعه شود، عاملی اقتدارآفرین است.

۳-۱-۵. اخلاق الهی

اخلاق از دیگر عوامل اقتدارآفرین در کلام معظم‌له است (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴). از منظر ایشان اخلاق به معنای پروراندن صفات نیکو و خُلق فاضل، در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل است (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶). ایشان اخلاق نیکو و تهذیب اخلاق را برای همه اقشار ملت لازم می‌دانند و تأمین اهداف جامعه از قبیل اقتدار را در گرو تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در همه ملت، به ویژه مسئولان می‌دانند (پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه نماز، ۱۳۷۴/۰۶/۱۴). معظم‌له، خودسازی و مراقبت از خود را اساس همه کارها می‌دانند (بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱) و اخلاق نیکو را به‌عنوان عاملی برای دستیابی به مقامات عالی انسانی، تعالی و تکامل معنوی و روحی و معرفت برتر معرفی می‌کنند (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶؛ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹).

در موضوع اخلاق، آرای مختلفی وجود دارد؛ برای نمونه: در کتاب الحقائق فی محاسن الاخلاق، اخلاق به معنای هیبتی راسخ در نفس است که با آن، افعال به راحتی و بدون نیاز به فکر صادر می‌شود. اگر این افعال صادر شده با توجه به عقل و شرع زیبا و پسندیده باشد، خُلق حسن نامیده می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۲۳ق: ۵۹). موضوع اخلاق از مسائلی است که تنها به بعد معنوی منحصر نمی‌شود؛ بلکه در زندگی مادی و دنیایی نیز اثرگذار است و در حیطه‌های مختلفی قابل بررسی است؛ مانند: اخلاق پزشکی، اخلاق سیاسی. همان‌طور که در کلام رهبر معظم‌له به آن اشاره شد، یکی از آثار آن در اقتدار کشور است.

اخلاق فردی و اجتماعی از مفاهیمی است که در آیات الهی به آنها پرداخته شده است؛ از جمله: نهی از غیبت، تجسس، ظلم، عیب‌جویی و احترام به پدر و مادر و توصیه به مسئولیت‌پذیری و شکرگزاری. در آیات، تزکیه نفوس، یکی از اهداف بعثت رسول اکرم ﷺ بیان شده است (جمعه: ۲؛ بقره: ۱۵۱). خداوند در سوره شمس پس از سوگندهای مکرر، رستگاری را عاقبت تزکیه‌کنندگان معرفی می‌کند و ناامیدی و محرومیت را عاقبت انجام گناهان: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّها» (شمس: ۹-۱۰). اهتمام آیات الهی به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس به‌عنوان مسئله‌ای اساسی و زیربنایی است که دیگر برنامه‌ها از آن نشأت می‌گیرد؛ به عبارتی، بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. با توجه به آیه ۱۵۹ سوره آل‌عمران: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» اثر حسن خلق تنها در بعد الهی و معنوی نیست؛ بلکه اثر وسیعی در زندگی مادی انسان‌ها دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۱ و ۲۱).

برای بیان مبانی قرآنی نقش اخلاق در اقتدار جامعه اسلامی، در ابتدا باید مصداق‌های آن را مورد بررسی قرار داد. برخی از این مصداق‌ها به تعالیم مبتنی بر ارتباط با خود و دیگر انسان‌ها مربوط است؛ آیاتی که به اقتدار آفرینی صبر (بقره: ۱۵۳)، وحدت (انفال: ۴۶) و... اشاره دارند از آن جمله‌اند که خارج از موضوع مقاله است. مبانی قرآنی برخی از موارد مرتبط با عنوان این پژوهش و اقتدار آفرینی آنها در دیگر مضامین بیان شد که از بیان مجدد آنها پرهیز می‌شود؛ مانند: مضمون توکل. برخی از مضامین به طور مستقیم و برخی غیرمستقیم به این مسئله اشاره دارند. با توجه به آیات الهی و سخنان معظم‌له آنچه مسلم است، این است که جامعه‌ای که ویژگی‌های اخلاقی نیک - چه در ارتباط با خالق، چه در ارتباط با خلق - بر آن حاکم شود، به اقتدار دست می‌یابد.

۳-۱-۶. دعا

دعا کردن و درخواست از خداوند از دیگر عنوان‌هایی است که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان عاملی برای اقتدار ملی محسوب می‌شود. معظم‌له، گاه در پایان سخنرانی، خود برای

اقتدار ملی دعا می‌کنند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹؛ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰)؛ همچنین در دیدار با مسئولان، خود و آنان را به دعا توصیه می‌نمایند: «دعا کنیم که خدای متعال این کشور و این ملت و این نظام را روزبه‌روز به اهداف خودش نزدیک‌تر کند و اقتداری را که شایسته این کشور و این ملت است، به او ارزانی بدارد.» (بیانات در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت هشتم، ۱۳۸۴/۰۵/۱۰).

خداوند در آیات قرآن به دعا و استعانت از خود سفارش کرده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰)؛ همچنین در خلال بیان اخبار گذشتگان مواردی یافت می‌شود که افراد طلب‌یاری و گشایش نمودند و در جواب از لطف الهی بهره‌مند شدند. استجاب دعا هم در مشکلات و مصائب شخصی افراد و هم در مسائل اجتماعی در آیات قابل مشاهده است.

آیه‌های ۸۳ و ۸۴ سوره انبیا بیان می‌کنند که حضرت ایوب علیه السلام پس از مشکلات و مصائب عظیمی که بر ایشان وارد شد، به درگاه الهی ابراز ضعف کرده و طلب‌یاری کردند. آیه در ادامه به استجاب دعا‌ی ایشان اشاره کرده و می‌فرماید: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ» (انبیا: ۸۴)؛ همچنین در آیات ۸۹-۹۰ همان سوره به استجاب دعا‌ی حضرت زکریا علیه السلام اشاره دارد؛ همچنان که در آیات ۳۸-۳۹ سوره آل‌عمران، اجابت دعا‌ی ایشان بیان شده است. حضرت زکریا علیه السلام از خداوند درخواست فرزند می‌نمایند؛ آیه می‌فرماید: «فَنَادَاهُ الْمَلَأِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِبُحْيٍ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل‌عمران: ۳۹). فرشتگان در محراب عبادت، حضرت یحیی علیه السلام را به وی بشارت می‌دهند.

آیات ۷۵ و ۷۶ سوره صافات از نمونه‌های اجتماعی استجاب دعا است. هنگامی که حضرت نوح علیه السلام از آزار قوم به درگاه الهی شکایت برد و طلب استمداد کرد، آیه می‌فرماید: «وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» (صافات: ۷۶). «کرب» به معنای هر غصه‌ای است که حرارتش به سینه رسد و «نجات» از «نجوة» به معنای مکان بلند است که همان معنای رفع هلاکت را می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۶۹۹). نمونه دیگر از دعاهای اجتماعی آیات ۸۸ و ۸۹ سوره یونس است. زمانی که حضرت موسی علیه السلام از خداوند می‌خواهند که «رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ

أَمْوَالِهِمْ وَأَشَدُّ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» (یونس: ۸۸)؛ در ادامه آیه بیان می‌کند که دعایشان پذیرفته شد و امر به استقامت نمود. با توجه به آیات، دعا کردن از راه‌های دستیابی به خواسته‌ها و نیازها است. افراد جامعه با دعا و درخواست قدرت و اقتدار از خداوند، می‌توانند از استجابت بهره‌مند شوند و با لطف و حمایت الهی به اقتدار ملی دست‌یابند.

۳-۱-۷. انگیزه الهی

آیت‌الله خامنه‌ای، انگیزه دینی، انگیزه ایمانی، انجام کار برای خدا و سربازی دین خدا را ابزاری برای اقتدار ایران می‌داند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش، ۱۳۷۸/۰۱/۲۵؛ بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹). ایشان خلوص نیت را عاملی برای بهره‌مند شدن از رحمت و هدایت الهی معرفی می‌کنند (بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی، ۱۳۹۸/۰۵/۱۰). همچنین الطاف الهی را که از عوامل اقتدار است، شامل مسئولانی که در نیت و عمل اخلاص دارند، می‌داند (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴).

«نیت» به معنای انگیزه غیرغریزی برای عمل است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر عمل اثر می‌گذارد. غیرغریزی بودن نیت به این معنا است که همراه با شعور و آگاهی است. نیت از سنخ گرایش است و تعیین‌کننده جهت رفتاری و دستیابی به اهداف متناسب با آن جهت است. هر چه نیت قوی‌تر باشد، امکان دستیابی به اهداف دورتر، امکان‌پذیرتر است (مصباح، ۱۳۹۱: ۸۳ و ۹۰). یکی از نیت‌های قوی که به باورمندان خود انرژی، امید، عزم و اراده... برای انجام امور می‌دهد، انگیزه الهی و اخلاص است. اخلاص در امور قوتی به ملت می‌دهد که توان ایستادگی و مقاومت در امور و مشکلات را در آنان به وجود آورده و امکان دستیابی به اقتدار ملی و دیگر اهداف نظام را بیشتر می‌کند.

با توجه به مطالب پیشین، نیت و انگیزه الهی، انرژی، امید، عزم و اراده... در انسان ایجاد می‌کند که سبب قوت وی در دستیابی به اقتدار ملی می‌شود؛ از سوی دیگر، جامعه اسلامی با خالص کردن امور برای خداوند می‌تواند از الطاف الهی که عامل بسیار مهمی در ایجاد اقتدار ملی است، بهره‌مند شود.

برخی از آیات قرآن، حاکی از دستور خداوند به اخلاص است: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر: ۱۱)؛ «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً» (بینه: ۵). یکی از آثاری که در آیات در پی نیت و انگیزه الهی به آن اشاره شده است، دستیابی به پیروزی و قدرت است. خداوند درباره جنگ بدر می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْمُشْرِكِينَ» (آل عمران: ۱۳). در این آیه برای معرفی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از عبارت «فِتْنَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ» استفاده شده است؛ یعنی به نیت آنان در این جنگ اشاره کرده است. در این جنگ با وجود شمار بسیار لشکر دشمن، به یاری و امداد خداوند، پیروزی و قدرت با سپاه اسلام بود. با توجه به آیه، نیت و انگیزه الهی سپاه اسلام سبب یاری و امداد خداوند، در نتیجه قدرت و پیروزی آنان شد؛ بنا بر آیه، جامعه اسلامی با حاکم کردن روحیه اخلاص و انگیزه و نیت خدایی در خود، می‌توانند به اقتدار ملی دست یابند.

۲-۳. رفتار ارتباطی خداوند با بندگان

منظور از رفتار ارتباطی خداوند با بندگان، خواست، حمایت، همراهی، لطف، یاری، رحمت و... خداوند است که نسبت به بندگان حائز شرایط، بذل می‌نماید. این مضمون در کلام معظم له و آیات الهی به این شرح‌اند:

مقام معظم رهبری، اقتدار اکنون و آینده کشور را به توفیق و حول و قوه الهی می‌داند (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۴/۰۴/۲۷). عباراتی مانند: اذن الهی، توفیق الهی (بیانات در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳)، حول و قوه الهی (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰) لطف الهی، تأیید الهی (حکم تنفیذ ششمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲) و قوت خداوند (بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۰/۰۷/۰۳) در موضوع اقتدار، بیانگر اقتدار آفرینی رفتار ارتباطی خداوند با بندگان در کلام معظم له است. توجه ایشان به مسئله دعا برای اقتدار ملی نیز نشان‌دهنده طلب استعانت، حمایت و... از خداوند است.

طبق آموزه‌های اسلامی، خداوند منشأ همه خیرات و برکات است و با الطاف خود به همه عالمیان امداد رسانی می‌کند. امدادهای غیبی خداوند، دو صورت عمومی و خصوصی

دارد؛ رحمت رحمانی و رحمت رحیمی. رحمت رحمانی شامل همه موجودات عالم می‌شود و رحمت رحیمی شامل یک موجود مکلف که در اثر حسن انجام وظیفه مستحق آن می‌شود، است. کمک‌های غیبی گاه به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت و دستیابی به خواسته است؛ گاه به شکل الهامات، هدایت‌ها، روشنی‌ها و روشن‌بینی‌ها است (مطهری، ۱۳۸۸ (الف): ۷۰-۷۱). مسئله اقتدار ملی نیز یکی از این خیرات و برکاتی است که منشأی الهی دارد و با الطاف حمایت‌های خداوند، ملت به آن دست می‌یابد.

در قرآن کریم، الطاف خداوند که به شکل‌های مختلفی شامل حال بندگان می‌شود، به‌عنوان عاملی برای دستیابی مسلمانان به غلبه، پیروزی و قدرت معرفی شده است. طبق آیات، قدرت متعلق به خداوند است (بقره: ۱۶۵) و همه قدرت‌ها از ناحیه اوست (کهف: ۳۹)؛ بنابراین هر که قدرت حقیقی و صحیح را خواهان است، باید از او دریافت نماید. آیاتی مانند: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِ الْحَكِيمِ» (آل عمران: ۲۶)، به صراحت سرچشمه همه خیرات، از جمله قدرت را به دست خداوند می‌داند. «بِإِذْنِ الْحَكِيمِ» در آیه همراه با «ال» استغراق آمده است؛ همچنین مقدم شدن خبر بر مبتدا، تأکیدی بر این مسئله است (طبرسی، ج ۲، ۱۳۷۲: ۷۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۳۴؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۹۱).

میان نصرت الهی و غلبه یافتن بر دشمن، ارتباط وجود دارد. خداوند در میان آیات قرآن با بیان توصیه و گزارش اخبار گذشتگان به الطاف و امدادهای خویش و تأثیر آن بر قدرت و پیروزی اشاره کرده است. مسئله‌ای که به وضوح در آیات مشاهده می‌شود، وجود امدادهای الهی در عرصه‌های مختلف زندگی بشر است که به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود و سبب پیروزی و قدرت مسلمانان می‌شود. در آیات قرآن، امدادهای الهی دو شکل: ۱. روحی و روانی و ۲. بیرونی و ظاهری دارند. امدادهای روحی و روانی گاه به صورت تقویت مؤمنان و گاه به صورت تضعیف روحیه کفار و دشمنان است. امدادهای بیرونی و ظاهری نیز گاه امدادهای طبیعی و گاه امدادهای غیرطبیعی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۲۱۲). در ادامه، شرح نمونه‌آیاتی که حاکی از تأثیر امدادهای الهی بر اقتدار است، بیان می‌شود.

در برخی از آیات، بین روحی و روانی یا ظاهری بودن امداد الهی اختلاف است؛ برای نمونه در آیات ۹ تا ۱۳ انفال، در مورد اینکه کمک فرشتگان به چه صورت بود، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند امداد روحی و روانی بود و فرشتگان سبب قوت قلب سپاه اسلام بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۰۸-۸۰۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۲۱)؛ برخی نیز معتقدند که فرشتگان به صورت امداد بیرونی و ظاهری با دشمنان می‌جنگیدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۰۸-۸۰۹).

در آیات ۴ و ۲۶-۲۷ سوره فتح به تقویت روحیه مؤمنان اشاره می‌کند و نزول سکینه و آرامش بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان را از امدادهای الهی معرفی می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا بِهَا وَإِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فتح: ۴). در تفسیرها دیدگاه‌های مختلفی راجع به واژه «سکینه» وجود دارد. منظور از این واژه، بصیرتی در حق است که مؤمنان به وسیله‌اش آرامش گیرند؛ یاری مؤمنان برای تسکین قلب و ثبات قدم در جنگ، آرامش قلبی که در تعظیم خدا و رسول صلی الله علیه و آله دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۶۹)؛ سکون نفس، ثبات و اطمینان آن به آنچه بدان ایمان دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۲۵۸) و خداوند به واسطه صلح و امنیت بر قلب‌های آنان آرامش نازل کرد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۳۳-۳۳۴). «أَذْجَعَلَالَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَةَ حَمِيَةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا» (فتح: ۲۶-۲۷). عبارت «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» فرع و نتیجه قبلش است: «أَذْجَعَلَالَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَةَ حَمِيَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»؛ یعنی خداوند در مقابل حمیتی که در قلب کافران بود، به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان آرامشی داد که با خشم، شجاعت و... دشمنانشان سست نشوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۲۸۹)؛ همچنین در آیه‌ای درباره جنگ حنین می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (توبه: ۲۶). در تفاسیر آمده است که نزول فرشتگان برای ثبات قدم و استقامت در جان و دل آنان بود نه نبرد با دشمنان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۸؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۷: ۳۳۸). آیاتی که بیان شد به امدادهای روحی و روانی خداوند اشاره دارد. خداوند با نزول آرامش بر قلب‌های مؤمنان، آنان را از حمایت و یاری خود بهره‌مند کرد.

از دیگر اخباری که در زمینه امدادهای الهی شهرت دارد، یاری خداوند در جنگ بدر

است که در آیات مختلفی از قرآن به آن اشاره شده است. در این جنگ با وجود اینکه نفرت و تجهیزات مشرکان بیش از مؤمنان بود، اما پیروزی نهایی به دلیل امداد الهی به مؤمنان تعلق گرفت. خداوند این خبر را چنین بیان می‌کند: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يَوِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران: ۱۳). درباره اینکه این امداد و ایجاد رعب در دشمنان به چه شکل بود، دو نظر وجود دارد: برخی معتقدند مسلمانان مشرکان را دو برابر خود دیدند؛ یعنی خداوند با توجه به اصل پیروزی صد مسلمان صابر بر دویست دشمن، به آنان امید داد؛ برخی نیز معتقدند مشرکان مسلمانان را دو برابر می‌دیدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۰۹). نویسنده المیزان نیز نظر اخیر را ارجح می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۹۳).

آیات بسیاری درباره انبیا وجود دارد که اگرچه عذاب قوم کافر را بیان می‌کند، به امدادهای طبیعی خداوند با استفاده از صاعقه، باد، طوفان و... نیز اشاره دارد (حج: ۴۲-۴۴). در نمونه‌ای دیگر، خداوند با نزول آیه و ارائه دستورالعمل درباره شیوه نماز خواندن هنگام جنگ به گونه‌ای که کمترین آسیبی به مؤمنان وارد نشود، به آنان قدرت می‌دهد (نساء: ۱۰۲؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۲۰)؛ دیگر آیات اقتدارآفرین نیز می‌توانند ذیل این مسئله قرار گیرند. برخی از دیگر آیاتی که از امداد، الطاف، همراهی و نصرت خداوند نسبت به بندگان سخن می‌گوید، در دیگر مضامین اشاره شد و از بیان مجدد آنها پرهیز می‌شود.

مسئله حائز اهمیت این است که در آیات قرآن برای دریافت امداد الهی دو شرط عقیده و عمل قرار داده شده است و ایمان و عمل صالح: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ» (محمد: ۲)، تقوا، صبر: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸) و... را به عنوان ملزومات بهره‌گیری از امدادهای الهی یاد می‌کنند.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت، علاوه بر ارتباط و پیوستگی عوامل مادی و

^۱ با توجه به اینکه این مقاله تنها بخشی از پژوهشی با استفاده از فرایند تحلیل مضمون است، الگوارائه نشد.

معنوی، به طور خرد، تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق، نقش سببی نسبت به تعالیم مبتنی بر ارتباط با خلق دارند؛ مانند اثری که بر ایجاد روحیه جهاد، شهادت، صبر و ایستادگی و... می‌گذارند. همچنین میان مضامین تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق نیز ارتباط وجود دارد؛ چنان‌که با توجه به آیات قرآن کریم، اگر بندگان ایمان، تقوا، توکل و... نداشته نباشند، حمایت، نصرت، همراهی و الطاف الهی شامل حالشان نمی‌شود؛ یعنی، الطاف و امدادهای خداوند که عامل اقتدار بندگان است، شامل بندگان می‌شوند که استحقاق دریافت آن را داشته باشند.

سخنان آیت‌الله خامنه‌ای و آیات الهی بیانگر این مسئله است که عوامل معنوی درباره تعالیم مبتنی بر ارتباط با خالق، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد، حفظ و افزایش اقتدار جامعه اسلامی دارند؛ بنابراین لازم است به تقویت بعد معنوی، اعتقادی، ایمانی و... کشور پرداخت؛ آفت‌ها و موانع مسیر را شناخت و آنها را رفع کرد یا از میان برداشت.

برای شناخت بهتر عوامل اقتدار ملی و کاربردی‌تر شدن پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

۱. عوامل اقتدار با کلید واژه‌های «قدرت» و «قوت» نیز در کلام معظم‌له بررسی شود.

۲. هر یک از مضامین این پژوهش، به طور مجزا و تفصیلی مورد بررسی قرار گیرند.

۳. مبانی روایی مضامین استخراج گردد.

۴. تأثیر این عوامل معنوی در اقتدار امت اسلامی در طول تاریخ بررسی شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن‌عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحزیر والتنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، جلد ۲-۱۷.

ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۰۸ق). لسان‌العرب، لبنان، داراحیاء التراث العربی، جلد ۱۵.

پارسانیا، حمید و ابراهیم فتحی (۱۳۹۶). «درنگی بر ایمان به‌عنوان منبع قدرت نرم شیعه»،

اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۴، بهار، صص ۶-۳۴.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۹). مراحل اخلاق در قرآن، قم، اسراء.

_____ (۱۳۸۶). تسنیم، قم، اسراء، جلد ۱۲.

_____ (۱۳۸۷). تسنیم، قم، اسراء، جلد ۱۱-۱۵.

_____ (۱۳۸۸). تسنیم، قم، اسراء، جلد ۱۶.

_____ (۱۳۸۹). تسنیم، قم، اسراء، جلد ۲۰.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، جلد ۵.

زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، جلد ۲-۴.

شرف‌الدین، حسین (۱۳۹۶). ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، جلد ۱-۳-۴-۹-۱۲-۱۸.

طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، فضل‌الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، جلد ۲-۴-۵-۶-۸-۹-۱۰.

عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی و ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، زمستان، صص ۱۵۱-۱۹۸.

عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران، راه رشد.

فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۲۳ق). الحقائق فی محاسن الاخلاق، قم، دارالکتب الاسلامی.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، جلد ۱-۲. کمالی، یحیی (۱۳۹۷). «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، سال چهارم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۸۹-۲۰۸.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). جنگ و جهاد در قرآن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح، مجتبی (۱۳۹۱). «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، فصلنامه اخلاق و حیانی، سال اول، شماره ۲، زمستان، صص ۸۱-۱۰۴.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). امدادهای غیبی در زندگی بشر (الف)، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۸۸). ده گفتار(ب)، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۹۷). انسان و ایمان، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۹۰). گفتارهایی در اخلاق اسلامی، تهران، قم، صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی، تهران، کتاب راه نو، جلد ۲.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، جلد ۱.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲-

۱۶-۷.

نرم افزار جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

نرم افزار کتابخانه دیجیتال نور

نرم افزار MaxQDA

www.Khamenei.ir

